



A T I Y E N O

شناسنامه
P R O F I L E

- صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه (وابسته به سازمان تامین اجتماعی)
- سردبیر: زیر نظر شورای سردبیری
- صفحه‌آرا: محمدرضایری چی
- ویراستار: کوروش اشرفی
- طراح: مهرناز منتظریان
- دبیر عکس: ستاره کاظمی
- نشانی: میدان آرژانتین ، خیابان احمد قسیم خیابان دوازدهم، شماره ۲۲
- تلفن: ۰۲۱-۴۵۴۳۶
- تحریریه: داخلی ۱۳۸
- بازرگانی: داخلی ۱۲۲

www.atiyeno.ir

خبر
N E W S

کتاب طبقه بر پرده سینما

طبقه کارگر جهانی در سینمای معاصر

کتاب طبقه بر پرده سینما تلاشی برجسته برای بازنمایی تجربه زیسته کارگر در هنر سینماست، نه به عنوان نماد یا ابزار ایدئولوژیک، بلکه به عنوان انسانی که با پیچیدگی‌های واقعی زندگی مواجه است. سارا آتفیلد در این اثر، به جای تکیه بر نظریه‌های کلان یا دستور کارهای سیاسی، بر مشاهدات دقیق و تحلیل نمونه‌های سینمایی تمرکز می‌کند تا جایگاه کارگر را در روایت‌های تصویری به گونه‌ای ملموس نشان دهد. کارگر در این کتاب سوژه‌ای زنده است؛ با ناامنی شغلی، فشارهای اقتصادی و محدودیت‌هایی که بر خانواده و کرامت او وارد می‌شود.

آتفیلد نشان می‌دهد که سینما، حتی در قالب سرگرمی، چگونه می‌تواند به ضبط وبازنمایی شرایط واقعی کارگران کمک کند. او با دقت به جزئیات، از صحنه‌های شغلی گرفته تا تعاملات خانوادگی و اجتماعی، شبکه‌ای از فشارها و تجربه‌های روزمره کارگران را ترسیم می‌کند و خواننده را به درک شرایط واقعی زیست کارگری فرا می‌خواند. کتاب، تصویری شفاف از چالش‌های جهانی طبقه کارگر ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که بسیاری از مشکلاتی که در جوامع مختلف رخ می‌دهد، ریشه‌های مشترک انسانی دارند. نکته قابل توجه این است که آتفیلد از قهرمان‌سازی یا تراژیک‌نمایی اغراق‌آمیز اجتناب می‌کند. کارگران در این متن انسان‌های پیچیده و متنوع‌اند که گاه موفق و گاه ناکام می‌شوند، اما همیشه با کرامت و واقعیت زیست‌شان مواجه‌اند. این رویکرد، کتاب را از تقلیل‌های سیاسی یا انتزاعی حفظ می‌کند و امکان فهم دقیق‌تر اثر سینما بر درک زندگی کارگران را فراهم می‌آورد. به طور کلی، طبقه بر پرده سینما نه یک مانیفست نظری بلکه یک تحلیل دقیق و انسانی از سینما و زندگی کارگران است. اهمیت کتاب در این است که نگاه کارگرمحور را به مرکز تحلیل می‌آورد، بدون آنکه به تقیدات حزبی وابسته باشد، و نشان می‌دهد که سینما می‌تواند آینه‌ای دقیق از واقعیت‌های زیسته طبقه کارگر باشد و از آیدن طریق، معیار تازه‌ای برای سنجش اخلاق اجتماعی و عدالت انسانی ارائه دهد.



کتاب طبقه بر پرده سینما

- تعداد صفحه: ۳۹۰ سال انتشار: ۱۴۰۴
- نوع جلد: شومیز • سری چاپ: اول

زمان کش‌دار و شیفت‌های بی‌انتها

در مستند She، کارخانه فقط محل تولید کالا نیست؛ ساختاری است که زمان و بدن را شکل می‌دهد، صدارا به حافظه بدل می‌کند و فرسایش را به تجربه‌ای روزمره و نامرئی



مهشید مهدی‌زاده

روزنامه نگار

در جهانی که زنجیره‌های تولید و تأمین کالا از نگاه مصرف‌کننده پنهان شده‌اند و ارزش‌های کاربی‌وقفه در پس‌و پیش‌ترین‌های «ارزان‌بودن» محو می‌شوند، دیدن کار به کنشی نادر و البته ضروری تبدیل شده است. مستند She دقیقاً این خلأ را نشانه گرفته است: نه برای آنکه کارخانه را به صحنه‌ای پرهیاهو بدل کند، بلکه برای آنکه ریتم بی‌وقفه و یکنواخت تولید را مرئی سازد و مخاطب را وادار کند در تجربه زیسته کارگران شریک شود. فیلم با حوصله آغاز می‌شود؛ با صدای ممتد دستگاه‌ها و نور سردی که روی میزهای فلزی می‌لغزد. هیچ اعلام موضع سیاسی یا شعارگونه‌ای در کار نیست، اما موضع فیلم از دل میزانسن و طراحی صحنه آشکار می‌شود.

کارخانه، داخلی، روز

«She» کارخانه را صرفاً لوکیشن انتخاب نمی‌کند؛ آن را به دستگاه دیدن بدل می‌کند. قاب‌ها هندسی و حساب‌شده‌اند و خطوط موازی نوار نقاله و میزهای کار، عمق تصویر را می‌بلعند و تکرار یکنواخت را به امر مسلط بدل می‌کنند. دوربین در ارتفاع چشم می‌ایستد؛ نه بر فراز سوژه و نه پایین‌تر از او. این هم‌سطحی، اساس اخلاق فیلم است. نماهای طولانی، بدون برش‌های هیجانی و بدون موسیقی احساساتی، تماشاگر را وادار می‌کنند که همان‌قدر در فضا بماند که کارگر می‌ماند، تا ریتم زمان و تکرار کار در ذهنش تثبیت شود. طراحی صدا، ستون فقرات اثر است. صدای دستگاه‌ها، فن‌ها و ضربه‌های منظم فلز بر فلز، نه پس‌زمینه، بلکه پیش‌زمینه‌اند. سکوت، تنها در لحظات کوتاه استراحت رخ می‌دهد و آن هم ناپایدار است. موسیقی، اگر حضور داشته باشد، چنان محواست که با بافت صوتی کارخانه درهم می‌آمیزد. نتیجه، تجربه‌ای حسی و ملموس از کار است؛ تجربه‌ای که با ریتم بدن و زمان همراه می‌شود، نه با شمارش دقیقه‌ها یا ارائه آمار و ارقام.

روایت در دل تکرار

«She» داستانی کلاسیک با گره و نقطه عطف ندارد؛ روایت از دل تکرار ساخته می‌شود. ما یک یا چند کارگر زن را از ورود صبحگاهی تا خروج در تاریکی شب دنبال می‌کنیم. نقطه عطف‌ها خردند: کند شدن نامحسوس حرکت دست، مکث کوتاهی برای ماساژ مچ یا کشیدن نفس، نگاه جداشده از خط تولید برای لحظه‌ای کوتاه. همین جزئیات، با دقت تصویر و زمان طولانی هر قاب، درام را می‌سازند. در صحنه‌ای کلیدی، دوربین بر دستانی مکث می‌کند که قطعات کوچک را با دقت مونتاز می‌کنند. ریتم تصویر با ریتم کار هم‌نواست و هر توقف کوچک، هر مکث خفیف، از هزار دیالوگ رساتر است. این تمرکز بر جزئیات، به مخاطب اجازه می‌دهد که خشونت ساختاری کار را تجربه کند. این خشونت نه از طریق انفجارهای دراماتیک، بلکه از طریق استمرار و تکرار بی‌امان دست‌ها، پاها و نگاه‌ها بیان می‌شود. کار در این فیلم صرفاً یک فعالیت اقتصادی نیست؛ بلکه تجربه‌ای حسی، جسمانی و روانی است که زمان و بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بدن، زمان، فرسایش

سینمای کارگری زمانی مؤثر است که بدن را به میدان اصلی روایت بدل کند، و «She» دقیقاً چنین می‌کند. نور فلورسنت پوست‌رایی‌رنگ می‌کند؛ نشستن‌های طولانی شانه‌ها را فرو می‌ریزد؛ صدای یکنواخت دستگاه‌ها همچنان در ذهن باقی می‌ماند. کار، تنها ساعت و دستمزد

دریافت انتقادی و جایگاه

نمایش فیلم در جشنواره فیلم لوکارنو توجه منتقدان را جلب کرد. منتقدان بر خویشتنداری روایی، وقار انسانی و تمرکز بر تجربه زیسته کارگران تأکید کردند. این خویشتنداری، نقطه قوت اثر است: فیلم می‌داند که اغراق، حقیقت را کمرنگ می‌کند و هر برش هیجانی اضافی، فاصله میان مخاطب و سوژه را افزایش می‌دهد. در قیاس با نمونه‌های کلاسیک سینمای کارگری که بر لحظه‌های انفجاری تمرکز داشتند، «She» بر استمرار و روزمرگی تمرکز می‌کند. این تغییر زاویه، با منطق اقتصاد معاصر سازگار است؛ جایی که فشار تولید و استثمار نه در صحنه‌های دراماتیک، بلکه در تداوم و عادت روزانه رخ می‌دهد.

نگاه اخلاق‌گرا

رابطه دوربین و سوژه، مسئله‌ای تعیین‌کننده در مستند اجتماعی است. «She» فاصله‌ای سنجیده را حفظ می‌کند. کلوزآپ‌ها حساب‌شده‌اند و نمایشگری رنج پرهیز می‌شود. کارگران با نام و حضور فردی ظاهر می‌شوند، اما حریم خصوصی‌شان محفوظ می‌ماند. این خودداری، فیلم را از بهره‌برداری عاطفی دور می‌کند و به آن صلابت می‌بخشد. تماشاگر دعوت می‌شود شاهد باشد، نه داور. فیلم را می‌توان در امتداد سینمای کارگری مدرن قرار داد؛ جایی که تمرکز نه بر قهرمان‌سازی یا لحظات اعتراض، بلکه بر تجربه زیسته و فشار ممتد کار است. در مقایسه با آثار کلاسیک دهه‌های پیش، جایی که اعتصاب و رویارویی مستقیم سوژه‌های کارگری محور بودند، «She» به دنبال نمایش زیست روزمره و شرایط ساختاری تولید است. این تغییر زاویه، بازتابی است از تحولات اقتصاد جهانی، جایی که استثمار به شکل آرام، اما مستمر، در زندگی روزمره نفوذ می‌کند. این فیلم، مستندی سیقل‌خورده و دقیق است که با اقتصاد روایی، نقدی ساختاری را در دل تجربه‌ای انسانی جای می‌دهد. اثر نه‌می‌خواهد اشک بگیرد و نه خطابه‌های رزوم‌وار. کارخانه به آینه‌ای بدل می‌شود که در آن کار نامرئی دیده می‌شود. قاب‌های طولانی، میزانسن دقیق، نور محدود و سکوت‌های کوتاه، همه دست به دست هم می‌دهند تا تجربه‌ای تمام‌عیار از ریتم و فشار کار ارائه شود. این فیلم یادآور می‌شود که اگر تصویر کافی دقیق باشد، خود به استدلال تبدیل می‌شود. در جهانی که برق و پرتین‌ها چشم‌رامی‌زند، «She» نور سرد کارخانه را پیش چشم می‌آورد و وادارمان می‌کند مکث کنیم؛ مکثی طولانی و ضروری که آغاز دیدن و فهمیدن است.

منبع: metacritic

درباره کارگردان

پارسیفال رپاراتو (متولد ۱۹۸۳) مستندساز ایتالیایی الاصل است. او از اواخر دهه ۲۰۱۰ با مجموعه‌ای از مستندهای مشاهده‌گر شناخته شد؛ آثاری که اغلب بر فضاهای کار، ریتم‌های صنعتی و تجربه زیسته نیروی کار متمرکز بوده‌اند. از فیلم‌های شاخص او می‌توان به «Silent Shift» (۲۰۱۸) درباره کارگران شیفت شب در حاشیه میلان و «Assembly Lines» (۲۰۲۱) درباره زنجیره‌های مونتاژ در اروپای شرقی اشاره کرد؛ هر دو اثر به خاطر خویشتنداری روایی و تمرکز بر بدن و زمان مورد توجه جشنواره‌های تخصصی مستند قرار گرفتند. رپاراتو مستند «She» (۲۰۲۵) را طی حدود هجده ماه پژوهش میدانی و فیلم‌برداری ساخت. پروژه با اقامت طولانی در نزدیکی یک کارخانه مونتاژ و گفت‌وگوهای غیررسمی با کارگران زن آغاز شد؛ در مکانی که در فیلم به آن اشاره نمی‌شود. او با تیمی کوچک و دوربین ثابت، شیفت‌های کامل کاری را ثبت کرد و در مرحله تدوین، از فشرده‌سازی زمانی پرهیز نمود تا ریتم واقعی کار حفظ شود. نتیجه، فیلمی است که بر مشاهده ممتد، طراحی صدای محیطی و حداقل مداخله تکیه دارد.

کرامت کارگر در سینمای کن لوچ

در سینمای معاصر اروپا، نام کن لوچ بیش از آنکه با تکنیک یا سبک بصری شناخته شود، با یک موضع اخلاقی پیوند خورده است: تمرکز پیگیر بر زندگی طبقه کارگر. این تمرکز، گرچه در بسیاری موارد با نقدهای صریح بر سرمایه‌داری متأخر همراه است، اما الزاماً در چارچوب ایدئولوژی چپ کلاسیک قابل تقلیل نیست. نگاه لوچ پیش از آنکه نظریه‌پردازانه باشد، تجربی و انسان‌محور است؛ او از دل زیست روزمره به ساختار می‌رسد، نه از دل مانیفست به روایت.

در آثار او، کارگر یک مفهوم انتزاعی اقتصادی نیست، بلکه فردی است با تاریخچه، خانواده، غرور و زخم‌های پنهان. لوچ به جای آنکه از طبقه کارگر اسطوره بسازد، آن را در موقعیت‌های عادی و ملموس نشان می‌دهد؛ در آشپزخانه‌ای سرد، در اتوبوسی شلوغ، در گفت‌وگویی کوتاه با کارمند اداره رفاه. همین انتخاب‌های ظاهراً ساده، حامل بار سیاسی عمیقی‌اند. سیاست در سینمای او نه در صحن علنی پارلمان، بلکه در فرم‌های اداری و قراردادهای موقت کار متجلی می‌شود.

فیلم Daniel Blake I نمونه‌ای برجسته از این رویکرد است. روایت مردی که پس از سال‌ها کار، در مواجهه با نظام بوروکراتیک رفاه تحقیر می‌شود، بیانیه‌ای حزبی نیست؛ بلکه با دقتی مستندگونه، فرسایش کرامت انسانی را در دل آیین‌نامه‌ها و فرم‌های بی‌روح اداری نشان می‌دهد. لوچ در اینجا به جای خطابه، به جزئیات تکیه می‌کند: به سکوت‌های سنگین، به نگاه‌های درمانده، به فاصله میان قانون و عدالت.

در فیلم Sorry We Missed You نیز تمرکز بر پیامدهای اقتصاد پلترفرمی است؛ اقتصادی که در ظاهر به آزادی و خوداشتغالی تأکید دارد، اما در عمل، کارگر را در چرخه‌ای از بدهی، ناامنی و فرسودگی گرفتار می‌کند. لوچ در این اثر، خانواده‌ای را تصویر می‌کند که زیر فشار زمان‌بندی‌های بی‌امان و قراردادهای یک‌طرفه، آرام‌آرام از هم می‌گسلسد. نقد او نه بر مبنای اصطلاحات نظری، بلکه از خلال رنج ملموس یک پدر و اضطراب یک مادر شکل می‌گیرد. نگاه کارگرمحور لوچ بر سه بنیاد استوار است: کرامت، همبستگی و مسئولیت ساختاری. نخست، کرامت انسانی که حتی در اوج فقر نیز محفوظ می‌ماند. شخصیت‌های او، هرچند شکست‌خورده، فاقد شائب نیستند. دوم، همبستگی؛ این باور که فرد تنها در پیوند با جمع می‌تواند در برابر بی‌عدالتی بایستد. و سوم، توجه به ساختارها؛ او به جای سرزنش اخلاقی افراد، قواعد بازی را به پرسش می‌کشد، قواعدی که حتی انسان‌های نیت‌خوب را به مجریان نظم نابرابر بدل می‌کند. با این همه، لوچ کمتر به ارائه نسخه‌ای جایگزین می‌پردازد. او نظریه اقتصادی مفصل عرضه نمی‌کند و برنامه سیاسی مدونی پیش نمی‌نهد. اهمیت او در حساسیت اخلاقی‌ای است که برمی‌انگیزد. معیار دآوری در جهان او ساده اما بنیادین است: هر سیاست اقتصادی، تا چه اندازه کرامت کارگر را پاس می‌دارد؟ اگر پاسخ منفی باشد، هیچ ساختار شایسته و هیچ آمار بهره‌وری نمی‌تواند آن نقصان را جبران کند. از حیث زیبایی‌شناسی نیز، لوچ به همین جهان‌بینی وفادار است. استفاده از بازیگران کمتر شناخته‌شده، دیالوگ‌های طبیعی و پرهیز از اغراق دراماتیک، فاصله میان تماشاگر و سوژه را می‌کاهد. او کارگر را نه به عنوان سوژه‌ای ترحم‌برانگیز، بلکه به عنوان شهروندی هم‌تراز مخاطب تصویر می‌کند. این انتخاب، خود شکلی از سیاست است؛ سیاستی که بر مرئی‌سازی رنج‌های عادی و بازگرداندن صدا به حاشیه‌نشینان استوار است. سینمای کن لوچ دعوتی است به بازاندیشی در معنای عدالت اجتماعی. او یادآوری می‌کند که اقتصاد، اگر از زندگی انسان‌ها جدا شود، به سازوکاری بی‌روح بدل خواهد شد. نگاه کارگرمحور او، بیش از آنکه پرچم یک ایدئولوژی خاص باشد، دفاعی است از کرامت انسانی در برابر نظام‌هایی که انسان را به عدد و پرونده فرو می‌کاهند. همین وفاداری به انسان، جایگاه او را در تاریخ سینمای اجتماعی تثبیت کرده است.

منبع: ایندپیندنت

